



کلمه

در حال حاضر مذاهب زیادی در جهان هستند. در بسیاری از مذاهب پیامبران نقش مهمی دارند. پیامبران کسانی هستند که باور دارند افکار خدا را میشناسند و این افکار را با دنیای اطرافشان در میان میگذارند. در بعضی از مذاهب عیسی هم به عنوان یک چنین پیامبری شناخته شده است. ولی در حقیقت تفاوت بزرگی میان عیسی و پیامبران دیگر که پیامی را از خدایشان شنیده اند و منتقل کرده اند، وجود دارد. این تفاوت در چیست؟ آنچه عیسی درباره خودش میگوید خیلی واضح است.

عیسی درباره خود و ابراهیم چه میگوید؟

یوحنا ۸: ۵۲-۵۸

ابراهیم در عهد قدیم به عنوان مردی عادل شناخته شده چون با ایمان در حضور خدا زندگی میکرد.

عیسی درباره خود و ابراهیم چه میگوید؟

عیسی درباره خود و خدا چه میگوید؟

پیامبران مکاشفاتی را از خدا میگیرند ولی هیچ کدام خدا را بطور کامل نمیشناسند. عیسی میگوید که خدا را میشناسد و پیش از تولد ابراهیم او بوده است. به عبارتی دیگر، عیسی قبل از تولدش بر روی زمین میزیسته است.

اینجا درباره عیسی چه گفته میشود؟

یوحنا ۱: ۱-۴، ۱۰، ۱۴

در اینجا عیسی را کلمه خدا مینامند. کلمه در آسمان جسمی نداشت. عیسی تازه زمانی که بر روی زمین متجلی شد، جسم گرفت. در پیدایش مبینیم که همه چیز به واسطه ادای کلمه توسط خدا، خلق میشود (پیدایش ۱).

عبرانیان ۱: ۱-۳


فرشته خدا

در عهد جدید کلماتی متفاوتی استفاده میشوند که در واقع یک معنی را می رسانند. کلمه، پسر، تصویر و تجلی خدا. در واقع میتوان گفت که در عهد جدید عیسی مکاشفه ی خدای «نهفته» است. سوالی که به وجود می آید این است که در عهد قدیم چگونه است. آیا عیسی تنها در زمان پیدایش حضور داشت یا اینکه زمانهای دیگری نیز بودند که او در آسمان یا بر زمین دیده میشد؟

در عهد قدیم می بینیم که در دفعات متفاوتی فرشته خدا ظاهر میشود.

پیدایش ۱۶: ۷-۱۰، ۱۳


در این داستان میخوانیم که فرشته خدا به هاجر ظاهر شد. فرشته میگوید: «من به تو فرزندان بسیاری خواهم داد.» هاجر در آیه ۱۳ تأیید میکند که ادونای (خداوند) کسی است که با او سخن گفته است.

اشعیا ۶۳: ۹ 


در این وعده، فرشته را، فرشته حضور او می نامند. این با آنچه یوحنا در باب ۱ گفته است، کاملاً مطابقت می کند. کلمه نزد خدا بود.

آتش


چطور فرشته خدا بر موسی ظاهر شد و چه چیزی در مورد او خارق العاده بود؟

خروج ۳: ۲-۵ 


فرشته خود را چطور معرفی میکند؟

خروج ۳: ۶ 

چطور فرشته خدا در این داستان ظاهر میشود؟


خروج ۱۴: ۱۹، ۲۰ 

سردار لشکر خدا

یوشع ۵: ۱۳، ۱۴ 


یوشع وارد سرزمین موعود میشود، ولی قبل از شروع جنگ با مردی ملاقات میکند. آن مرد خود را چگونه معرفی میکند و عکس العمل یوشع چیست؟ آیا شباهتی به عکس العمل موسی دارد؟ (خروج ۳: ۴، ۵)

فرشته به موسی وعده داده شده بود.

خروج ۲۳: ۲۰-۲۳ 

در عهد جدید می بینیم که این وعده به وسیله عیسی نیز گفته میشود. او با ما خواهد بود، اگر ما عهد او را نگه داریم.

تصویر خدا

کولسیان ۱: ۱۵-۱۸ 

در اینجا میخوانیم که عیسی تصویر خداست. در نمونه هایی که تا بحال نام برده شد می بینیم که عیسی از زمان پیدایش به عنوان کلمه آفریننده، حضور داشته است. بعد از آن هم به عنوان نماینده خدا بارها بر روی زمین آمده است. او خود را به عنوان خدا معرفی کرده است. پس عیسی عهد جدید همیشه بوده است، ولی نه به عنوان انسان بر روی زمین.

عهد

لحظه مهم دیگری نیز وجود دارد که باید از آن یاد کرد. خدا بارها خود را در کلامش به عنوان خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب معرفی میکند. ولی این چه ربطی به عیسی دارد؟

با هم خواندیم که خدا میخواست انسان را از اسارت شیطان آزاد کند.

شیطان به واسطه نافرمانی انسان از خدا و گوش بفرمانی انسان از او، بر زمین قدرت یافته است. خدا میخواست فرمانروایی شیطان را بشکند. این تنها در صورتی امکان پذیر بود که شخصی عادل پیدا میشد. برای عیسی معنی این عدالت این است که خدا فرمانروای قلب اوست و او آنچه را که از پدر میشنود انجام میدهد. بدین وسیله شیطان چون در زندگی این شخص قدرتی ندارد، فضای خود را از دست میدهد.

خدا در ابرام فردی را دید که به واسطه ایمانش عادل بود. ابرام آنچه را که از خدا می شنید انجام میداد. به همین خاطر خدا تصمیم گرفت که به واسطه نسل ابرام دنیا را از فرمانروایی شیطان آزاد کند. به همین دلیل خدا میخواست که با ابرام عهدی ببندد. این عهد یک عهد خونی بود. عهدی که تا ابد ادامه خواهد داشت.



پیدایش ۱۵: ۱-۶

در این داستان میبینیم که خدا به ابرام نسلی بزرگ و در عین حال حفاظت، برکت و صلح را وعده میدهد. چون ابرام به خدا اعتماد داشت، حالا خدا با او عهدی می بندد.

چه کسی در میان قربانی حیوانات ظاهر شد؟



پیدایش ۱۵: ۹، ۱۰، ۱۷، ۱۸

عیسی خود را نور عالم مینامد. در عهد قدیم نیز بارها میبینیم که خدا بصورت آتش، نور یا مشعل ظاهر میشود. این داستان بسیار مهم است، چون خدا به ابرام وعده میدهد که او ارثیه ای که خدا برای انسانها در نظر گرفته است را خواهد گرفت و دشمنانش شکست خواهند خورد. عیسی در زمان بسته شدن این عهد حضور دارد. بعدها زمانی که ابرام نام جدیدی که همان ابراهیم باشد را دریافت میکند، به او فرزندی به نام اسحاق داده میشود. زمانی که این پسر ۱۳ ساله بود، ابراهیم بایستی او را قربانی میکرد. در اینجا نیز ابراهیم به خدا گوش میدهد و به راه میافتد تا بر کوه موریا پسر را قربانی کند. زمانی که میخواست چاقو را در بدن فرزندش فرو کند، فرشته خدا ظاهر می شود.



پیدایش ۲۲: ۱۱، ۱۲

فرشته دید که ابراهیم از خداوند اطاعت کرده و حتی فرزندش را از او دریغ نداشته است. به واسطه این عمل از روی ایمان و به خاطر عهدی که خدا با او داشت، خدا هم تنها فرزند خود را دریغ نخواهد داشت. پسر خدا انسانها را آزاد می کند و بخشش را برای آنها می آورد و او اینکار را از نسل ابراهیم شروع خواهد کرد. چطور؟ این را در بخش بعدی خواهیم آموخت.

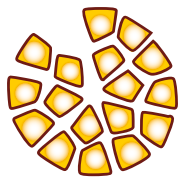
تکلیف



داستان ابرام را در پیدایش ۱۲-۲۲ بخوانید. آنچه را که از رابطه ابرام با خدا می آموزید را یادداشت کنید. بنویسید که چطور ابرام خدا را ملاقات کرد و بعد از این ملاقات چه اتفاقی افتاد.



برای مربیتان بگویید که دید شما در حال حاضر درباره عیسی چیست. چه چیزی را درباره او باور دارید؟ چه سوالهایی را درباره شخص عیسی در ذهنتان دارید؟ از مربیتان بپرسید که او چطور عیسی را شناخته است و امروز عیسی برای او چه کسی است؟



یوحنا ۸: ۵۲-۵۸

۲۲ یهودیان به او گفتند: «اکنون دیگر یقین دانستیم که دیوزده‌ای! ابراهیم و پیامبران مردند، و حال تو می‌گویی، "اگر کسی کلام مرا نگاه دارد، طعم مرگ را تا به ابد نخواهد چشید!" ۵۳ آیا تو از پدر ما ابراهیم هم بزرگتری؟ او مُرد، و پیامبران نیز مردند. خود را که می‌پنداری؟»

۵۴ عیسی گفت: «اگر من خود را جلال دهم، جلال من ارزشی ندارد. آن که مرا جلال می‌دهد، پدر من است، همان که شما می‌گویید، خدای ماست.

۵۵ هر چند شما او را نمی‌شناسید، اما من او را می‌شناسم. اگر بگویم او را نمی‌شناسم، همچون شما دروغگو خواهم بود. اما من او را می‌شناسم و کلام او را نگاه می‌دارم.

۵۶ پدر شما ابراهیم شادی می‌کرد که روز مرا ببیند؛ و آن را دید و شادمان شد.»

۵۷ یهودیان به او گفتند: «هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده‌ای؟»

۵۸ عیسی به ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم، پیش از آنکه ابراهیم باشد، من هستم!

یوحنا ۱: ۱-۴

۱ در آغاز کلام بود و کلام با خدا بود و کلام، خدا بود؛
 ۲ همان در آغاز با خدا بود.
 ۳ همه چیز به واسطه او پدید آمد، و از هر آنچه پدید آمد، هیچ چیز بدون او پدیدار نگشت.
 ۴ در او حیات بود و آن حیات، نور آدمیان بود.

یوحنا ۱۰: ۱-۴

۱۰ او در جهان بود، و جهان به واسطه او پدید آمد؛ اما جهان او را نشناخت.
 ۴ او کلام، انسان خاکی شد و در میان ما مسکن گزید. و ما بر جلال او نگریم، جلالی درخور آن پسر یگانه که از جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی.

عبرانیان ۱: ۱-۳

۱ در گذشته، خدا بارها و از راههای گوناگون به واسطه پیامبران با پدران ما سخن گفت،
 ۱۲ اما در این زمانهای آخر به واسطه پسر خود با ما سخن گفته است، پسری که او را وارث همه چیز مقرر داشت و به واسطه او جهان را آفرید.
 ۱۳ او فروغ جلال خدا و مظهر کامل ذات اوست، و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه می‌دارد. او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست.

پیدایش ۱۶: ۷-۱۳

۷ فرشته خداوند او را نزد چشمه آب در بیابان، یعنی چشمه‌ای که به راه شور است یافت.
 ۸ و گفت: «ای هاجر، کنیز سارای، از کجا آمدی و کجا می‌روی؟» گفت: «من از حضور خاتون خود سارای گریخته‌ام.
 ۹ فرشته خداوند به وی گفت: «نزد خاتون خود برگرد و زیر دست و مطیع شو.
 ۱۰ و فرشته خداوند به وی گفت: «ذریه تو را بسیار افزون گردانم، به حدی که از کثرت به شماره نیا بند.
 ۱۱ و فرشته خداوند وی را گفت: «اینک حامله هستی و پسری خواهی زایید، و او را اسماعیل نام خواهی نهاد، زیرا خداوند تظلم تو را شنیده است.
 ۱۲ و او مردی وحشی خواهد بود، دست وی به ضد هر کس و دست هر کس به ضد او، و پیش روی همه برادران خود ساکن خواهد بود.
 ۱۳ و او، نام خداوند را که با وی تکلم کرد، «انتا یلرئی» خواند، زیرا گفت: «آیا اینجا نیز به عقب او که مرا می‌بیند، نگریم؟»

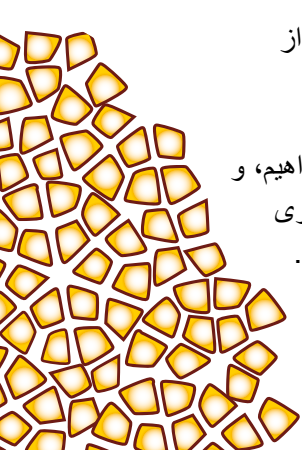
اشعیا ۶۳: ۶

۹ او در همه تنگیهای ایشان به تنگ آورده شد و فرشته حضور وی ایشان را نجات داد. در محبت و حلم خود ایشان را فدیة داد و در جمیع ایام قدیم، متحمل ایشان شده، ایشان را برداشت.

خروج ۳: ۲-۶

۲ فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته‌ای بر وی ظاهر شد، و چون او نگریمت، اینک آن بوته به آتش مشتعل است اما سوخته نمی‌شود.
 ۳ و موسی گفت: «اکنون بدان طرف شوم، و این امر غریب را ببینم، که بوته چرا سوخته نمی‌شود.
 ۴ چون خداوند دید که برای دیدن بدان سو می‌شود، خدا از میان بوته به وی ندا درداد و گفت: «ای موسی! ای موسی!»
 گفت: «لبیک.»

۵ گفت: «بدین جا نزدیک میا، نعلین خود را از پایها بپوشان، زیرا مکانی که در آن ایستاده‌ای زمین مقدس است.»
 ۶ و گفت: «من هستم خدای پدرت، خدای ابراهیم، و خدای اسحاق، و خدای یعقوب آنگاه موسی روی خود را پوشانید، زیرا ترسید که به خدا بنگرد.



خروج ۱۴: ۲۰ و ۱۹

۱۹ و فرشته خدا که پیش اردوی اسرائیل می‌رفت، حرکت کرده، از عقب ایشان خرامید، و ستون ابر از پیش ایشان نقل کرده، در عقب ایشان با یستاد.

۲۰ و میان اردوی مصریان و اردوی اسرائیل آمده، از برای آنها ابر و تاریکی می‌بود، و اینها را در شب روشنایی می‌داد که تمامی شب پس نزد یک یکدیگر نیامدند.

یوشع ۵: ۱۳ و ۱۴

۱۳ و واقع شد چون یوشع نزد اریحا بود که چشمان خود را بالا انداخته، دید که اینک مردی با شمشیر برهنه در دست خود پیش وی ایستاده بود. و یوشع نزد وی آمده، او را گفت: «آیا تو از ما هستی یا از دشمنان ما؟»

۱۴ گفت: «نی، بلکه من سردار لشکر خداوند هستم که الان آمدم.» پس یوشع روی به زمین افتاده، سجد کرد و به وی گفت: «آقایم به بنده خود چه می‌گوید؟»

خروج ۳: ۴ و ۵

۴ چون خداوند دید که برای دیدن ما یل بدان سو می‌شود، خدا از میان بوته به وی ندا درداد و گفت: «ای موسی! ای موسی!» گفت: «لیبیک.»

۵ گفت: «بدین جا نزدیک میا، نعلین خود را از پایها بپوش، زیرا مکانی که در آن ایستاده ای زمین مقدس است.»

خروج ۲۳: ۲۰-۲۱

۲۰ «اینک من فرشته‌ای پیش روی تو می‌فرستم تا تو را در راه محافظت نموده، بدان مکانی که مهیا کرده ام برساند. ۲۱ از او با حذر باش و آواز او را بشنو و از او تمرد منما زیرا گناهان شما را نخواهد آمرزید، چونکه نام من در اوست.»

کولسیان ۱: ۱۵-۱۸

۱۵ و صورت خدای نادیده است و فرزند ارشد بر تمامی آفرینش،

۱۶ زیرا همه چیز به واسطه او آفریده شد: آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است، دیدنیها و نادیدنیها، تختها و فرمانرواییها، ریاستها و قدرتها؛ همه موجودات به واسطه او و برای او آفریده شدند. ۱۷ او پیش از همه چیز وجود داشته، و همه چیز در او قوام دارد. ۱۸ او بدن، یعنی کلیسا، را سر است. او سر آغاز و نخستزاده از میان مردگان است، تا در همه چیز برتری از آن او باشد

پیدایش ۱۵: ۱-۶

۱ بعد از این وقایع، کلام خداوند در رؤیا، به ابرام رسیده، گفت: «ای ابرام مترس، من سپر تو هستم، و اجر بسیار عظیم تو.»

۲ ابرام گفت: «ای خداوند یهوه، خداوند یهوه، مرا چه خواهی داد، و من بی‌اولاد می‌روم، و مختار خانهم، این العاذر دمشقی است؟»

۳ و ابرام گفت: «اینک مرا نسلی ندادی، و خانهمزادم وارث

من است.

۴ در ساعت، کلام خداوند به وی در رسیده، گفت: «این وارث تو نخواهد بود، بلکه کسی که از صلب تو در آید، وارث تو خواهد بود.»

۵ و او را بیرون آورده، گفت: «اکنون بسوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، هرگاه آنها را توانی شمرد.» پس به وی گفت: «ذریبت تو چنین خواهد بود.»

۶ پس به خداوند ایمان آورد، و او، این را برای وی عدالت محسوب کرد.

پیدایش ۱۵: ۹ و ۱۰ و ۱۷ و ۱۸

۹ به وی گفت: «گوساله ماده سه ساله و بز ماده سه ساله و قوچی سه ساله و قمری و کبوتری برای من بگیر.»

۱۰ پس این همه را بگرفت، و آنها را از میان، دو پاره کرد، و هر پارهای را مقابل جفتش گذاشت، لکن مرغان را پاره نکرد.

۱۷ و واقع شد که چون آفتاب غروب کرده بود و تاریک شد، تتوری پر دود و چراغی مشتعل از میان آن پارها گذر نمود.

۱۸ در آن روز، خداوند با ابرام عهد بست و گفت: «این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم، یعنی نهر فرات، به نسل تو بخشیده ام،

پیدایش ۲۲: ۱۱ و ۱۲

۱۱ در حال، فرشته خداوند از آسمان وی را ندا درداد و گفت:

«ای ابراهیم! ای ابراهیم!» عرض کرد: «لیبیک.»

۱۲ گفت: «دست خود را بر پسر دراز مکن، و بدو هیچ مکن، زیرا که الان دانستم که تو از خدا می‌ترسی، چونکه پسر یگانه خود را از من دریغ نداشتی.»